

بررسی روند تغییرات کلیشه های جنسیتی در شعر کودک گروه سنی الف و ب با تاکید بر جنسیت شاعران

لیلا لامعی رامندی* دکتر افسانه وارسته فر** دکتر الهه حاجی ها***

چکیده: تحقیق حاضر با دو هدف انجام شده است. هدف اول شناخت کلیشه های جنسیتی در آثار شعر کودک گروه سنی الف و ب و هدف دوم شناخت تاثیر جنسیت شاعران مذکور (افسانه شعبان نژاد و اسداله شعبانی) بر روند تغییر کلیشه های جنسیتی مطرح شده در آثار مورد نظر است. جامعه آماری، کتاب های شعر گروه سنی الف و ب منتشر شده از شاعران برگزیده تحقیق از آغاز فعالیت شان (۱۳۷۰) تاکنون (۱۳۸۷) است، تعداد نمونه نیز شامل ۵۴ جلد کتاب و ۴۲۳ قطعه شعر کودک است.

در این تحقیق از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. برای دستیابی به هدف های تحقیق دو محور مدنظر قرار گرفت. ابتدا حضور کمی شخصیت های مذکر و مؤنث بررسی و سپس به تجزیه و تحلیل اطلاعات براساس مقوله های استخراج شده در دو دهه ۷۰ و ۸۰ پرداخته شد. نتایج هر بخش با تاکید بر جنسیت شاعران برگزیده تحقیق با یکدیگر مقایسه شدند.

با استناد به نظریه پدیدارشناسی، نتایج به دست آمده با تاکید بر جنسیت شاعران برگزیده تحقیق نشان داد، جنسیت شاعران مورد نظر نه تنها بر حضور کمی شخصیت های مذکر و مؤنث در آثار مورد مطالعه مؤثر بوده، بلکه بر اولویت بندی مقوله هایی که مردانه و زنانه تشخیص داده شده اند نیز تأثیر داشته است. به طور کلی، بررسی های انجام شده، تاثیر جنسیت شاعران برگزیده تحقیق بر روند تغییرات کلیشه های جنسیتی در آثار مورد مطالعه را تایید می کند.

کلید واژه ها: جنسیت، روند تغییرات، شعر کودک، کلیشه های جنسیتی، گروه سنی الف و ب

* کارشناس ارشد رشته مطالعات زنان، زن و خانواده دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن
** عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن
*** عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

مقدمه

درک این‌که چگونه ممکن است طرز تلقی‌های فردی بر جامعه و الگوهای اجتماعی آن تأثیر داشته باشد، دشوار است. اما با استناد به نظریه پدیدارشناسی - اعتقاد به توانایی انسان برای تأثیر بر پیرامون خود- و به دنبال تغییرات جهانی حاصل از مدرنیته، انتظار می‌رود افراد با تأمل و کند و کاو در جهان زندگی اجتماعی، بتوانند در زمینه های اجتماعی - فرهنگی خود امکانات نوگرایی و نوسازی را متناسب با همان فرهنگ به وجود آورند.

ساختارها، رابطه‌ها و رفتارهای خانوادگی تحت تأثیر تغییرات جهانی، به نیازها، تمایلات و نگرش‌های جدید جنسیتی منجر شده است. از این‌رو، پدیدارشناسی و فمینیسم دو رویکرد دوران مدرن محسوب می‌شوند که موجب تغییر نگرش‌ها و دیدگاه‌های فردی و اجتماعی در زمینه‌های مختلف فرهنگی شده اند. بدین ترتیب در جهان امروز، نگاه‌های اجتماعی دربارهٔ مرد و زن تغییر کرده است. استدلال اجرای تحقیق حاضر این است که گرچه تأثیر شرایط یکسان اجتماعی بر نگرش‌ها و دیدگاه‌های افراد غیرقابل انکار است، متفاوت بودن نگرش‌ها و دیدگاه‌های فردی نیز اجتناب ناپذیر است، به ویژه که عامل جنسیت نیز به آن اضافه شود.

در ایران نیز در سال‌های اخیر تحت تأثیر تحولات ناشی از مدرنیته، آگاهی‌های زنان و مردان به ویژه در زمینهٔ جنسیت و خانواده دست خوش تغییر شده است و زنان بیشتر وارد حوزهٔ عمومی شده اند. بازتاب این تغییر و تحولات در شعرهای کودک گروه سنی الف و ب با تأکید بر جنسیت خالقان اثر چه می‌تواند باشد؟

بررسی شعرهای دو شاعر کودک، افسانه شعبان‌نژاد و اسداله شعبانی، در مسیر حرفه‌ای‌شان آگاهی آنها را در این خصوص به تصویر می‌کشد و می‌توان نتایج بررسی نگرش‌های منعکس شده در شعر کودک گروه سنی الف و ب را بخشی از تمایلات و رهیافت‌های جدید مربوط به جنس در زمینهٔ اجتماعی - فرهنگی ایران تفسیر کرد.

طرح مسئله

مطالعه تحقیقات انجام شده در زمینه کلیشه‌های جنسیتی نشان می‌دهد، سوگیری جنسیتی در محتوا، زبان و تصویر تعداد زیادی از کتاب‌های کودکان وجود دارد (میشل، ۱۳۸۱: ۸۴). در این کتاب‌ها دختران، نه تنها کمتر از پسران به تصویر در می‌آیند، بلکه هر دو جنس غالباً در قالب‌های جنسیتی خود ظاهر می‌شوند.

جنس‌گرایی در ادبیات کودکان تدریجی است و به آرامی به دختران و پسران می‌آموزد پذیرای نقش‌هایی باشند که به آنها نشان داده می‌شود؛ بدین ترتیب، کلیشه‌های جنسیتی ارائه شده در ادبیات کودک به تدریج بر نگرش و ادراک کودکان از رفتار متناسب در جامعه تأثیر می‌گذارد.

بررسی چگونگی بازنمایی زنان در فرهنگ عمومی، رسانه‌های جمعی، ادبیات بزرگسال و کودک نشان‌دهنده مسئله‌ای است که با واقعیت زندگی گروهی از انسان‌ها تضاد دارد. بدین معنی که زنان به عنوان یک گروه نه به صورت فردی، وضعیت خود و مشروعیت دیدگاه‌های موجود را قابل تردید می‌دانند و بر فرودستی، مظلومیت و تحت ستم بودن خویش در طول تاریخ تأکید می‌ورزند. اینجا، در یک نقطه حساس و تعیین‌کننده تاریخ، چیزی به عنوان «مسئله زن» مطرح می‌شود. در این زمان، یعنی قرن نوزدهم، زنان احساس می‌کنند که از نظر موقعیت اجتماعی، در جایگاه تناقض آمیزی به سر می‌برند، یعنی وضعیتی که در آن هستند، با وضعیت مورد انتظارشان مغایرت دارد. به این ترتیب، مهم‌ترین عامل پیدایش وضعیت تناقض آمیز و شکل‌گیری جنبش‌های زنان، «مدرنیته» یا «تجدد» است. اساساً جنبش زنان، جنبشی است مدرن و متعلق به دوران مدرن (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۲۸).

بی‌شک مدرنیته یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ساختارها، رابطه‌ها و رفتارهای خانوادگی در جوامع است (استونز، ۱۳۸۳: ۴۳۱). ساده‌سازی ساختارهای خانواده و زندگی زناشویی، روابط عاری از قدرت و آمریت در درون خانواده‌ها و سست شدن پیوندهای خانوادگی (بهنام، ۱۳۸۳: ۱۷۰) از جمله تأثیراتی است که مدرن‌سازی بر خانواده‌ها داشته است، دگرگونی‌هایی که وجه معرف رشد و گسترش نگرش‌های جنسیتی نیز تلقی می‌شود.

بدین ترتیب، مدرنیته و خواسته‌های زنان به تغییر چهارچوب زندگی روزمره و در نتیجه به تغییر رفتار افراد خانواده و مناسبات قدرت در میان آنها یاری می‌رساند و در این مسیر، مفهوم جنسیت و خانواده در دنیای امروز در معرض تغییر قرار می‌گیرد. به دنبال تغییرات جهانی و ارتباطات فوری که از پیامدهای مدرنیته است، بررسی روند تغییرات کلیشه‌های جنسیتی با توجه به حوزه فرهنگی و جغرافیایی جوامع، از اهمیتی شایان توجه برخوردار است.

اگرچه نقطه قوت نهضت فمینیسم، در تنوع آن یعنی قابلیت سازگاری با فرهنگ‌ها در دوره‌های مختلف است و در طرح مقوله جنسیت در عرصه‌های گوناگون و از زوایای متفاوت، چشم اندازی از فمینیسم ظاهر می‌شود، در این پژوهش هیچ یک از رهیافت‌های فمینیستی به

عنوان بنیان نظری تحقیق مدنظر قرار نمی‌گیرد، زیرا برخلاف تحقیقاتی که در زمینه کلیشه‌های جنسیتی انجام شده است بنای آن ندارد به برخوردهای ناعادلانه با زنان پردازد و رهیافتی فمینیستی برای اصلاح موقعیت آنان مطرح کند.

تحقیق حاضر مبتنی بر این استدلال است که در شکل‌گیری و تغییر کلیشه‌های جنسیتی، همواره زمینه‌ها و تحولات فکری، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نقش داشته است و مدرنیته، بنیان تغییر و تحولات را فراهم آورده است. در این میان برای تبیین نابرابری‌ها و تبعیض‌ها-که حتی بین خود زنان نیز وجود دارد - جنسیت نیز به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار مورد توجه قرار می‌گیرد. آرزوی برابری همه انسان‌ها هدف دشواری است که با طبیعت جوامع در تضاد است؛ (شارون، ۱۳۸۵: ۱۰۰) چالشی که نه تنها فمینیست‌ها بلکه فیلسوفان و جامعه‌شناسان بسیاری با آن مواجه‌اند.

بنابراین اعتقاد به توانایی انسان برای تأثیر گذاشتن بر پیرامون خود، دیدگاهی است که بنیان نظریهٔ پدیدارشناسی و این تحقیق بر آن استوار است. خود همین دیدگاه، پیامد مدرنیته است. پدیدارشناسی با در نظر گرفتن عامل جنسیت می‌تواند به این دیدگاه منجر شود که تک‌تک زنان و مردان با ایجاد زبان و شیوه‌های جدید تفکر می‌توانند حداقل خود و پیرامون خود را از معانی سوگیرانه رها سازند؛ به ویژه آن که خواسته‌های افراد براساس حوزه فرهنگی و جغرافیایی با یکدیگر متفاوت است.

با استناد به نظریهٔ پدیدارشناسی انتظار می‌رود افراد در زمینهٔ اجتماعی مساعد در جهت ایجاد چنین تأثیری حرکت کنند و اگر پایگاه نیرومندی داشته باشند، بی‌تردید تاثیر بسیار زیادی بر جای خواهند گذاشت، (شارون، ۱۳۸۵: ۲۸۴) و چه پایگاهی نیرومندتر از شأن نویسندگی و شاعری برای کودکان مرز و بومی که در سال‌های اخیر تغییر و تحولات بسیاری را در زمینه جنسیت و وضعیت زنان شاهد بوده است.

افسانه شعبان‌نژاد و اسداله شعبانی دو شاعری هستند که شرایط نسبتاً یکسانی را در مسیر حرفه ای شان تجربه کرده‌اند. هر دو شاعر با فاصله ای کمتر از پنج سال متولد شده‌اند، بنابراین هر دو به یک نسل تعلق دارند. هر دو نویسنده با تعلقات فرهنگی - بومی خاص خود از اوائل دهه ۶۰ فعالیت ادبی را در زمینه کودک و نوجوان آغاز کرده‌اند و با انتشار آثار خود و تجربیات گوناگون در این زمینه، هم‌اکنون از شاعران و نویسندگان فعال و صاحب نام در حوزه شعر کودک و نوجوان به شمار می‌آیند.

بدین ترتیب، پرداختن به طرز تلقی دو شاعر مذکور از کلیشه های جنسیتی و مقایسه آنها، با یکدیگر با تأکید بر جنسیت آنها دغدغه اصلی این پژوهش است و روند تغییرات آنها را در آثارشان در حوزه شعر گروه سنی الف و ب طی دو دهه ۷۰ و ۸۰، دنبال می کند.

مبانی نظری

به رغم اینکه تحقیقات فمینیست ها در سال های اخیر، آگاهی نوینی درباره اهمیت جنسیت در همه جوامع پدید آورده است، تنوع و ناهمگونی فمینیسم در برخورد با مسائل زنان، مانع انسجام درونی آن و ارائه راهکارهای عملی شده است. تاکنون تأکید جنبش فمینیستی بر دو نکته بوده است: اول، تعریف زن چیست؟ دوم، تلقی مردان از زنان چیست؟ به نظر می رسد تلقی خود زنان از خودشان مؤلفه ای است که کمتر مورد توجه فمینیسم قرار گرفته است (ملکیان، ۱۳۸۵: ۳۳۸).

رویکرد مورد نظر - تلقی افراد از خودشان - ایده زیربنایی نظریه پدیدارشناسی است؛ نظریه ای که خلاقیت انسان را برای ساختن و معرفی خود به جهان حائز اهمیت می داند و مبتنی بر این اعتقاد است که انسان خلاق اجازه نمی دهد ساختارها او را به هر کجا ببرند. از دیدگاه پدیدارشناسی سامان بخشیدن جهان عملاً به دست انسان ها صورت می گیرد.

ادموند هوسرل (۱۹۳۸-۱۸۵۹) بنیان گذار فلسفه پدیدارشناسی بود. هوسرل در جستجوی پی ریزی نوعی فلسفه رادیکال (ریشه ای) به معنای واقعی کلمه بود: فلسفه ای که ریشه های شناخت و تجربه ما را بکاود. از دیدگاه او، معرفت علمی که از تجربه و فعالیت های روزمره ریشه می گیرد، از آنها جدا شده است و وظیفه پدیدارشناسی این است که دوباره میان آنها پیوند برقرار کند. پدیدارشناسی منحصرأ به ساختارها و فعالیت های آگاهی بشر می پردازد، و پیش فرض اصلی و غالباً ضمنی اش این است که دنیایی که ما در آن زندگی می کنیم، در آگاهی ما یا در کله های ما خلق شده است (کرایب، ۱۳۸۵: ۱۲۴).

هوسرل دیدگاه طبیعی یا رویکرد طبیعی را مانع کشف فراگردهای پدیده شناختی می دانست. عناصر بنیادی آگاهی از دید کنشگران پنهان اند و پدیده شناسان نیز اگر نتوانند بر رویکرد طبیعی شان به جهان غلبه کنند، نمی توانند این عناصر را کشف کنند. فیلسوفان باید بتوانند رویکرد طبیعی شان را کنار بگذارند (یا در پراتز بگذارند) تا بتوانند بنیادی ترین جنبه های آگاهی را کشف کنند. هوسرل رویکرد طبیعی را سرچشمه کژاندیشی و تحریف به

شمار می‌آورد (ریتزر، ۱۳۸۵: ۳۲۷). مفهوم رویکرد طبیعی از مفاهیم کلیدی پدیده‌شناسی هوسرل است. رویکرد طبیعی دشمنی است که پدیده‌شناسی بیش از هر دوستی به آن نیازمند است (رشیدیان، ۱۳۸۴: ۱۴۱).

هوسرل معتقد بود که هیچ کس نمی‌تواند تجربه‌ای از چیزی حاصل کند مگر به برکت محتوای ذهنی جهت یافته خودش. بنابراین او فکر می‌کرد حق دارد ادعا کند که بنیاد تردید ناپذیر هرگونه فهمی را پیدا کرده است (مگی، ۱۳۷۲: ۴۱۹). به هر روی، پدیده‌شناسان به خوبی آگاهند که سامان بخشیدن جهان عملاً به دست انسان‌ها انجام می‌گیرد و همین امر از نظر آنها موضوع مهم تحقیق پدیده‌شناختی را تشکیل می‌دهد (ریتزر، ۱۳۸۵: ۳۲۶).

از این‌رو، دیدگاه پدیدارشناسی فرصت معنادادن به جهان را به قدر همت و فرصت هر انسان در اختیارش می‌گذارد. بنیانی که مورد استناد این پژوهش است و براساس آن، ذهنیت و زبان مسلط شاعران موردنظر را در شعر کودک گروه سنی الف دربارهٔ کلیشه‌های جنسیتی مورد بررسی قرار می‌دهد؛ شاعرانی که نوپاترین گروه سنی این مرز و بوم مخاطب آنها هستند.

به عبارت دیگر با استناد به نظریهٔ پدیدارشناسی، زنان و مردان با تغییر زبان مسلط، یعنی تغییر ذهنیت‌های خود می‌توانند به کشف آن جنبه از رفتارها و نگرش‌های مبتنی بر جنسیت و خانواده بپردازند که مورد پذیرش هر دو جنس است و به استتار آن دسته از کلیشه‌های جنسیتی پیرامون خود نائل آیند که برای آنها مسئله‌ساز بوده است. بدین ترتیب، با توجه به اینکه زمینه‌های اجتماعی نگرش فمینیستی در ایران، هر چند به طور ناقص، ایجاد شده است، با استناد به نظریه پدیدارشناسی، با تغییر نگرش‌های فردی و کنار گذاشتن رویکردهای طبیعی (سنتی) می‌توان در جهت رفع مشکلات و مسائلی گام برداشت که افراد، به‌ویژه زنان، به لحاظ جنسیت با آنها مواجه هستند. از این‌رو، می‌توان امیدوار بود اگر تک تک افراد در زمینه‌های اجتماعی که مساعد چنین تأثیری است عمل کنند و اگر پایگاه نیرومندی داشته باشند، بی‌تردید تأثیر زیادی بر جای خواهند گذاشت.

هدف ها و پرسش ها

مطالعهٔ پیش‌رو در بررسی روند تغییر کلیشه‌های جنسیتی در کتابهای شعر کودک گروه سنی الف و ب با تأکید بر جنسیت شاعران برگزیده این تحقیق دو هدف را دنبال می‌کند. هدف اول شناسایی کلیشه‌های جنسیتی در آثار شعر کودک گروه سنی الف و ب و هدف دوم شناسایی

تأثیر جنسیت شاعران مذکور بر روند تغییر کلیشه های جنسیتی مطرح شده در آثار مورد نظر است. در این راه، تلاش بر این است پرسش های زیر پاسخ داده شوند:

۱. کلیشه های جنسیتی در شعرهای گروه سنی الف و ب افسانه شعبان نژاد کدام اند؟
۲. کلیشه های جنسیتی در شعرهای گروه سنی الف و ب اسدالله شعبانی کدام اند؟
۳. روند تغییر کلیشه های جنسیتی در شعرهای گروه سنی الف و ب افسانه شعبان نژاد در دو دهه ۷۰ و ۸۰ چگونه است؟
۴. روند تغییر کلیشه های جنسیتی در شعرهای گروه سنی الف و ب اسدالله شعبانی در دو دهه ۷۰ و ۸۰ چگونه است؟

روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نوع اسنادی است و اسناد موردنظر، کتابهای شعر کودک گروه سنی الف و ب است که افسانه شعبان نژاد و اسدالله شعبانی از ابتدا (۱۳۷۰) تاکنون (۱۳۸۷) سروده اند و شامل ۵۴ جلد کتاب و ۴۲۳ قطعه شعر کودک گروه سنی الف و ب است. در این تحقیق از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. برای سنجش میزان تغییرات در بعد کمی و کیفی آثار در دو دهه ۷۰ و ۸۰، ابتدا کلیشه های جنسیتی در بعد کمی و کیفی از کتابهای مورد نظر استخراج و سپس در دو دهه مجزا، میزان این تغییرات با یکدیگر مقایسه شد. واحد تحلیل در این تحقیق، شعر و واحد ثبت، فعل است. بدین ترتیب برای دستیابی به هدف های تحقیق دو محور زیر مدنظر قرار گرفته اند:

الف) محور اول: حضور کمی شخصیت های مؤنث و مذکر به تفکیک کلام و تصویر در دهه های ۷۰ و ۸۰ با تأکید بر جنسیت شاعران مورد نظر.

لازم به توضیح است در این بخش حضور کمی شخصیت ها در شعرهای مورد مطالعه به تفکیک کلام و تصویر کتابها شمارش شده است. از آنجایی که تصویرگری برای کتاب ها، زیر نظر خود شاعران و نویسندگان صورت می گیرد، در این تحقیق شخصیت های تصویری نیز به عنوان تمایل شاعر به جنسیت تصویر تفسیر شده است.

ب) محور دوم: فراوانی مقوله های تحقیق به تفکیک جنسیت شخصیت ها در دهه های ۷۰ و ۸۰ با تأکید بر جنسیت شاعران مورد نظر.

برای شناسایی کلیشه‌های جنسیتی مرتبط با محور فوق، ابتدا فعل‌های مورد استفاده شخصیت‌های مؤنث و مذکر ثبت شد. سپس مقوله‌های تحقیق با توجه به ماهیت فعل‌ها از آنها استخراج شد. مقوله‌ها عبارت‌اند از: امور شغلی، امور خانگی، عاطفه، منطق، اوقات فراغت فعال و اوقات فراغت غیرفعال. به روش مطالعات پیشین، در این تحقیق نیز سه مقوله به عنوان کلیشه‌های مردانه و سه مقوله به عنوان کلیشه‌های زنانه در نظر گرفته شدند. کلیشه‌های مردانه عبارت‌اند از: مقوله امور شغلی، منطق و اوقات فراغت فعال و کلیشه‌های زنانه عبارت‌اند از: مقوله امور خانگی، عاطفه و اوقات فراغت غیرفعال.

منظور از کلیشه‌های مردانه و زنانه در این تحقیق، همان‌طور که گفته شد، فعل‌هایی است که منطبق با فرهنگ هر جامعه به مردان و زنان نسبت داده شده است. بدین ترتیب، در تحقیق حاضر نیز چنانچه هر مقوله مردانه بیشتر به مردان و هر مقوله زنانه بیشتر به زنان نسبت داده می‌شود، به‌عنوان تأیید کلیشه‌های جنسیتی آن مقوله توسط شاعر مورد نظر تبیین شد و چنانچه هر مقوله زنانه بیشتر به مردان و هر مقوله مردانه بیشتر به زنان نسبت داده می‌شود، به‌عنوان عدم تأیید کلیشه‌های جنسیتی توسط شاعر مورد نظر تبیین شد. سپس دو روش ارزیابی برای دستیابی به نتیجه مدنظر قرار گرفت:

- بررسی روند تغییر اولویت هر مقوله در دو دهه ۷۰ و ۸۰ با تأکید بر جنسیت شاعران.
- بررسی روند تغییر فراوانی مقوله‌ها به تفکیک جنسیت شخصیت‌ها در دو دهه ۷۰ و ۸۰ با تأکید بر جنسیت شاعران.

بررسی اختصاص دادن فعل‌ها به هر مقوله نه تنها اولویت هر مقوله را در آثار مورد مطالعه شاعران به دست داد، بلکه تأثیر جنسیت افسانه‌شعبان‌نژاد-زن- و اسداله‌شعبانی-مرد- بر اولویت مقوله‌ها را نیز آشکار ساخت.

یافته‌ها

یافته‌های حاصل از بررسی آثار مورد مطالعه دو شاعر برگزیده تحقیق در مجموع دو دهه به لحاظ پاسخ به پرسش‌های تحقیق به شرح زیر است:

پرسش ۱: کلیشه‌های جنسیتی در شعرهای گروه سنی الف و ب افسانه‌شعبان‌نژاد کدام‌اند؟
پاسخ: در آثار مورد مطالعه مربوط به افسانه‌شعبان‌نژاد، فراوانی شخصیت‌های مؤنث‌بیش از مذکر است و مقوله‌هایی که به زنان نسبت داده می‌شود، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

پرسش ۲: کلیشه های جنسیتی در شعرهای گروه سنی الف و ب اسداله شعبانی کدام اند؟ پاسخ: در آثار مورد مطالعه مربوط به اسداله شعبانی، فراوانی شخصیت های مذکر بیش از مونث است و مقوله هایی که به مردان نسبت داده می شود، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. پرسش ۳: روند تغییر کلیشه های جنسیتی در شعرهای گروه سنی الف و ب افسانه شعبان نژاد در دو دهه ۷۰ و ۸۰ چگونه است؟

پاسخ: نتایج به دست آمده از بررسی آثار افسانه شعبان نژاد نشان می دهد که کلیشه های جنسیتی در آثار ایشان در دهه ۷۰ در هر شش مقوله مورد تأیید قرار گرفته است. در حالی که نتایج در دهه ۸۰ تغییر می یابد و کلیشه های جنسیتی در دو مقوله - منطق و اوقات فراغت فعال - مورد تأیید قرار نمی گیرد. بدین ترتیب، افسانه شعبان نژاد به سمت تغییر کلیشه های جنسیتی گام برداشته است.

پرسش ۴: روند تغییر کلیشه های جنسیتی در شعرهای گروه سنی الف و ب اسداله شعبانی در دو دهه ۷۰ و ۸۰ چگونه است؟

پاسخ: نتایج به دست آمده از بررسی آثار اسداله شعبانی نشان می دهد که کلیشه های جنسیتی در آثار دهه ۷۰ ایشان در همه مقوله ها به جز مقوله عاطفه و در دهه ۸۰ در همه مقوله ها مورد تأیید قرار گرفته است. بدین ترتیب، اسداله شعبانی به سمت تأیید و تداوم کلیشه های جنسیتی گام برداشته است.

لازم به توضیح است که پرسش های ۱ و ۲ به عنوان تبیین هدف اول تحقیق و پرسش های ۳ و ۴ به عنوان تبیین هدف دوم تفسیر شده اند.

جدول شماره ۱: شخصیت مورد استفاده (کلام و تصویر) توسط شاعر

کاربرد شخصیت		مرد		زن		نامشخص		جمع	
نام شاعر		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
افسانه شعبان نژاد در دهه ۷۰		۲۱	۶۹	۵۱	۳۸	۲۸	۱۳۵	۱۰۰	
افسانه شعبان نژاد در دهه ۸۰		۲۵	۱۴۳	۴۸	۸۱	۲۷	۲۹۸	۱۰۰	
اسداله شعبانی در دهه ۷۰		۴۸	۸۴	۲۵	۹۰	۲۷	۳۳۵	۱۰۰	
اسداله شعبانی در دهه ۸۰		۲۶	۹	۲۴	۱۹	۵۰	۳۸	۱۰۰	

بدین ترتیب، با استناد به جدول شماره ۱ می توان نتیجه گرفت که نتایج به دست آمده از

بررسی‌های انجام شده بر اساس محور اول- حضور کمی شخصیت‌های مؤنث و مذکر به تفکیک کلام و تصویر در دهه های ۷۰ و ۸۰ با تأکید بر جنسیت شاعران مورد نظر - نشان می‌دهد که جنسیت شاعران برگزیده تحقیق بر حضور کمی شخصیت‌های مؤنث و مذکر در آثار مورد مطالعه تاثیر دارد. بدین مفهوم که در آثار افسانه شعبان نژاد سهم شخصیت‌های زن نسبت به مرد بیشتر است و در آثار اسداله شعبانی سهم شخصیت‌های مرد نسبت به زن بیشتر است. بدین ترتیب، نتایج نشان می‌دهد که جنسیت افسانه شعبان نژاد- زن- بر سهم بیشتر شخصیت‌های زن در آثار ایشان و جنسیت اسداله شعبانی- مرد- بر سهم بیشتر شخصیت‌های مرد در آثار ایشان مؤثر بوده است.

از سوی دیگر، نتایج بررسی‌های انجام شده بر اساس محور دوم- فراوانی مقوله های تحقیق به تفکیک جنسیت شخصیت‌ها در دهه های ۷۰ و ۸۰ با تأکید بر جنسیت شاعران مورد نظر- نشان می‌دهد که افسانه شعبان نژاد با توجه به جنسیت خود- زن- در دهه های مذکور بیشتر به مقوله‌های زنانه پرداخته است. یعنی فراوانی فعل‌ها در مقوله‌هایی بیشتر است که زنانه تشخیص داده شده اند. بدین ترتیب، ارزیابی نتایج در مجموع دو دهه نیز نشان می‌دهد که افسانه شعبان نژاد در آثار خود بیشتر مقوله های زنانه- امور خانگی، عاطفه، اوقات فراغت غیر فعال - را مورد توجه قرار داده است.

اسداله شعبانی نیز با توجه به جنسیت خود- مرد - در دهه ۷۰ بیشتر به مقوله های مردانه و در دهه ۸۰ بیشتر به مقوله‌های زنانه پرداخته است. یعنی فراوانی فعل‌ها در دهه ۷۰ در مقوله‌هایی بیشتر است که مردانه تشخیص داده شده‌اند و در دهه ۸۰ در مقوله‌هایی بیشتر است که زنانه تشخیص داده شده اند. اما ارزیابی نتایج در مجموع دو دهه نشان می‌دهد اسداله شعبانی نیز در آثار خود بیشتر مقوله‌های مردانه- امور شغلی، منطق و اوقات فراغت فعال- را مورد توجه قرار داده است.

هرچند، نتایج تحقیق تا این مرحله نشان می‌دهد افسانه شعبان نژاد بیشتر بر اساس تجربه‌ها و نگرش‌های زنانه و اسداله شعبانی بیشتر بر اساس تجربه‌ها و نگرش‌های مردانه به خلق شعر کودک گروه سنی الف و ب پرداخته اند، این نتیجه نمی‌تواند مبنایی برای تایید یا عدم تایید کلیشه های جنسیتی توسط شاعران برگزیده تحقیق باشد.

پرسش دیگری که در این مرحله آشکار می‌شود، سهم شخصیت های مذکر و مؤنث در این الگوهای فراگیر زنانه و مردانه است. بدین ترتیب، با بررسی روند تغییر فراوانی مقوله‌ها به

تفکیک جنسیت شخصیت‌ها، زمینه دستیابی به هدف دوم تحقیق یعنی شناسایی تأثیر جنسیت شاعران برگزیده تحقیق بر روند تغییر کلیشه‌های جنسیتی در آثار مورد مطالعه فراهم شد. در این خصوص، نتایج به دست آمده از بررسی آثار شاعران برگزیده تحقیق نشان می‌دهد، کلیشه‌های جنسیتی در آثار افسانه شعبان‌نژاد در دهه ۷۰ در هر شش مقوله مورد تأیید قرار گرفته است. در حالی که نتایج در دهه ۸۰ تغییر می‌یابد و کلیشه‌های جنسیتی در دو مقوله - منطق و اوقات فراغت فعال - مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

جدول شماره (۲) روند تغییر مقوله‌ها به تفکیک جنسیت و دهه مربوط به خانم افسانه شعبان‌نژاد

دهه	جنسیت	مرد		زن		جمع
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۷۰	مقوله‌ها	۶	۱۰۰	-	-	۶
	امور شغلی	۶	۱۰۰	-	-	۶
	امور خانگی	۶	۱۲/۵	۴۲	۸۷/۵	۴۸
	امور عاطفی	۱۲	۲۹	۳۰	۷۱	۴۲
	منطق	۶	۷۵	۲	۲۵	۸
	اوقات فراغت فعال	۲	۱۰۰	-	-	۲
	اوقات فراغت غیرفعال	۱	۱۴	۶	۸۶	۷
جمع	۳۳	۲۹	۸۰	۷۱	۱۱۳	
۸۰	مقوله‌ها	۹	۶۰	۶	۴۰	۱۵
	امور شغلی	۹	۶۰	۶	۴۰	۱۵
	امور خانگی	۱۶	۲۴	۵۰	۷۶	۶۶
	امور عاطفی	۱۱	۲۲	۴۰	۷۸	۵۱
	منطق	۱۱	۲۹	۲۷	۷۱	۳۸
	اوقات فراغت فعال	۹	۳۹	۱۴	۶۱	۲۳
	اوقات فراغت غیرفعال	۵	۲۱	۱۹	۷۹	۲۴
جمع	۶۱	۲۸	۱۵۶	۷۲	۲۱۷	

نتایج با استناد به داده‌های جدول شماره ۲ در زمینه آثار افسانه شعبان‌نژاد در دو دهه ۷۰ و ۸۰ این‌گونه قابل تفسیر است که افسانه شعبان‌نژاد در دهه ۷۰، هر آنچه را که جامعه به مردان و زنان نسبت داده می‌دهد، در آثار خود منعکس کرده است. یعنی همان‌طور که در جامعه، فعل‌های مربوط به امور شغلی، منطق، اوقات فراغت فعال بیشتر به مردان و فعل‌های

مربوط به امور خانگی، عاطفه و اوقات فراغت غیرفعال بیشتر به زنان نسبت داده می‌شود، در کتاب‌های دهه ۷۰ ایشان نیز کلیشه‌های جنسیتی در همه مقوله‌ها و در دهه ۸۰ در چهار مقوله امور شغلی، امور خانگی، عاطفه و اوقات فراغت غیرفعال مورد تایید قرار گرفته‌اند. این در حالی است که کلیشه‌های جنسیتی در دو مقوله منطق و اوقات فراغت فعال در آثار دهه ۸۰ ایشان تایید نشده است؛ یعنی برخلاف آنچه در جامعه وجود دارد، سهم دختران و زنان از فعل‌ها در این دو مقوله بیش از سهم پسران و مردان است.

در آثار اسداله شعبانی، نه تنها فراوانی شخصیت‌های مذکر نسبت به شخصیت‌های مؤنث بیشتر است و علاوه بر آن، مقوله‌های مردانه نیز با توجه به جنسیت آنها- مرد- بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، بلکه در آثار دهه ۷۰ اسداله شعبانی کلیشه‌های جنسیتی در همه مقوله‌ها به جز مقوله عاطفه مورد تایید قرار گرفته است. همچنین در آثار دهه ۸۰ ایشان نیز کلیشه‌های جنسیتی در همه مقوله‌های مورد بحث تایید شده است. نتایج در جدول شماره ۳ به تفکیک شخصیت‌ها و دهه مشخص است.

جدول شماره ۳: روند تغییر مقوله‌ها به تفکیک جنسیت و دهه مربوط به آقای سداله شعبانی

دهه	مقوله‌ها	جنسیت		مرد		زن		جمع
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
۷۰	امور شغلی	۵۴	۹۵	۳	۵	۵۹	۱۰۰	
	امور خانگی	۱۱	۴۴	۱۴	۵۶	۲۵	۱۰۰	
	امور عاطفی	۲۱	۶۰	۱۴	۴۰	۳۵	۱۰۰	
	منطق	۷۹	۹۴	۵	۶	۸۵	۱۰۰	
	اوقات فراغت فعال	۲۴	۸۶	۴	۱۴	۲۸	۱۰۰	
	اوقات فراغت غیرفعال	-	-	۸۰	۷۱	۱۱۳	۱۰۰	
	جمع	۱۸۹	۸۰	۴۶	۲۰	۲۳۵	۱۰۰	
۸۰	امور شغلی	-	-	-	-	-	-	
	امور خانگی	-	-	۵	۱۰۰	۵	۱۰۰	
	امور عاطفی	-	-	۲	۱۰۰	۲	۱۰۰	
	منطق	۱	۱۰۰	-	-	۱	۱۰۰	
	اوقات فراغت فعال	-	-	-	-	-	-	
	اوقات فراغت غیرفعال	-	-	۳	۱۰۰	۳	۱۰۰	
	جمع	۱۹۰	۹۵	۱۰	۵	۲۰۰	۱۰۰	

نتایج با استناد به داده های جدول فوق در زمینه آثار اسداله شعبانی در دو دهه ۷۰ و ۸۰ این گونه قابل تفسیر است که اسداله شعبانی در دهه ۷۰، هر آنچه را که جامعه به مردان و زنان نسبت می‌دهد، به جز مقوله عاطفه، در آثار خود منعکس کرده است. یعنی همان‌طور که در جامعه، فعل‌های مربوط به امور شغلی، منطق، اوقات فراغت فعال به مردان و فعل‌های مربوط به امور خانگی، عاطفه و اوقات فراغت غیرفعال به زنان نسبت داده می‌شود، در کتاب‌های دهه ۷۰ ایشان نیز کلیشه‌های جنسیتی در همه مقوله‌ها به جز مقوله عاطفه و در دهه ۸۰ در همه مقوله‌ها تأیید شده است. کلیشه های جنسیتی در آثار دهه ۷۰ اسداله شعبانی در مقوله عاطفه تأیید نشده است، بدین مفهوم که برخلاف آنچه در جامعه وجود دارد، سهم پسران و مردان از فعل‌ها در این مقوله بیش از سهم دختران و زنان است.

بحث و نتیجه گیری

به طور کلی، نتایج بررسی آثار دو شاعر برگزیده تحقیق در مجموع دو دهه ۷۰ و ۸۰ نشان می‌دهد، هر چند فراوانی شخصیت‌های مؤنث بیش از شخصیت‌های مذکر است- مانند آثار افسانه شعبان نژاد در دهه ۷۰ و ۸۰- یا فراوانی مقوله‌هایی که به زنان نسبت داده می‌شود بیش از فراوانی مقوله‌هایی است که به مردان نسبت داده می‌شود- مانند فراوانی مقوله‌های زنانه در آثار افسانه شعبان نژاد در دو دهه ۷۰ و ۸۰ یا فراوانی مقوله‌های زنانه در آثار اسداله شعبانی در دهه ۸۰- این موضوع- یعنی افزایش فراوانی شخصیت‌های مؤنث و افزایش فراوانی مقوله‌های مربوط به زنان - بدین معنی نیست که کلیشه های جنسیتی تغییر یافته اند. زیرا نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که سهم دختران و زنان در مقوله‌های مربوط به زنان و سهم پسران و مردان در مقوله‌های مربوط به مردان بیش از دیگری است. یعنی تقسیم نقش‌ها در آثار مورد مطالعه مبتنی بر الگوهای فراگیر مردانه و زنانه بوده است. از سوی دیگر، نتایج تحقیق نشان می‌دهد، مشارکت پسران و مردان در مقوله‌های مربوط به زنان در آثار دو شاعر کمتر از مشارکت دختران و زنان در مقوله‌های مربوط به مردان است.

در پایان، با استناد به نظریه پدیدارشناسی می‌توان نتیجه گرفت که نگرش‌ها و دیدگاه‌های فردی دو شاعر مورد مطالعه در زمینه کلیشه‌های جنسیتی متفاوت است. چرا که دو شاعر به زعم شرایط اجتماعی یکسان در این زمینه رویکردهای متفاوتی در پیش گرفته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که افسانه شعبان نژاد با توجه به جنسیت خود- زن- در جهت تغییر کلیشه های

جنسیتی و اسداله شعبانی با توجه به جنسیت خود- مرد- در جهت تأیید و تداوم کلیشه های جنسیتی گام برداشته اند. بدین ترتیب، نتایج تحقیق نشان دهنده تأثیر جنسیت شاعران برگزیده تحقیق بر روند تغییر طرز تلقی آنها از کلیشه های جنسیتی در آثار مورد مطالعه است. این کلیشه ها حاوی پیام هایی ضمنی است که مانع رشد رویاهای کودکان می شود؛ رویاهایی که می تواند با توجه به توانایی های فردی و شخصیتی کودکان، فارغ از جنسیت آنها تحقق یابد.

راهکارها و راهبردها

خالقان ادبیات کودکان و نوجوانان چه پیام هایی در زمینه جنسیت به مخاطبان کودک منتقل می کنند؟ چگونه با استفاده از ادبیات کودکان و نوجوانان می توان زمینه های تغییر نگرش های جنسیتی را در چهارچوب زمینه های اجتماعی و فرهنگی ایرانی به وجود آورد؟ قبل از آنکه خالقان ادبیات کودکان و نوجوانان روش هایی برای شناسایی کلیشه های جنسیتی در پیش بگیرند و از انعکاس آنها در آثار خود جلوگیری کنند، بهتر است در درجه اول به شناسایی نگرش ها و دیدگاه های خود پردازند و به تقویت بینش های عادلانه جنسیتی و ارتقای آگاهی های جنسیتی کودکان کمک کنند. امید است پژوهش حاضر بتواند به عنوان گامی در این مسیر بر تحقق اهدافی از این دست تأثیری هر چند ناچیز داشته باشد.

ممکن است گفته شود خالقان انواع ادبیات به صورت ناخودآگاه به خلق شخصیت ها و موقعیت ها می پردازند، اما برداشتن گام هایی مؤثر برای ترویج بی طرفی جنسیتی در بین کودکان امری امکان پذیر است و در این مسیر می توان از رویکرد های زیر بهره برد:

۱. خلق شخصیت ها براساس ویژگی ها و توانایی های فردی و شخصیتی

در این رویکرد می توان دختران را در نقش هایی بیشتر پویا و فعال تصویر کرد و سهم مشارکت هر یک از جنس ها در الگوهای مربوط به دیگری را افزایش داد.

۲- تلفیق شخصیت ها و موقعیت های سنتی و غیرسنتی

بازآفرینی شخصیت های سنتی و شناخته شده در موقعیت های جدیدی که کمتر مبتنی بر نقش های جنسیتی باشد، می تواند به کاهش نگرش های تبعیض آمیز جنسیتی منجر شود. بازآفرینی شخصیت های سنتی در نقش های جدید نه تنها به جذب مخاطب کمک می کند، بلکه با ایجاد موقعیت های بحث و گفتگو به شناسایی توانایی ها و نقش پذیری های جدید جنسیت ها، به ویژه زنان منجر می شود و بیشتر منطبق با جامعه کنونی است.

۳- خلق تصویرهایی با سوگیری های جنسیتی کمتر با توجه به اهمیت تصویر در جذب مخاطب و تأثیر گذاشتن بر او می توان از شخصیت ها و موقعیت های نامشخص موجود در کلام برای خلق تصویرهایی با سوگیری های کمتر جنسیتی استفاده کرد. کاهش تفاوت بین دختران و زنان و پسران و مردان و افزایش سهم مشارکت دو جنس در فضاها، موقعیت ها و الگوهای مربوط به دیگری به افزایش درک متقابل دو جنس از یکدیگر کمک می کند. در چنین فضایی است که زمینه های رشد توانایی ها بر اساس ویژگی های شخصیتی و احترام به یکدیگر، بیشتر فراهم می شود.

منابع فارسی

- استونز، را. (۱۳۸۳). متفکران بزرگ جامعه شناسی. ترجمه مهرداد میردامادی. تهران: نشر مرکز.
- بهنام، ج. (۱۳۸۴). تحولات خانواده: پویایی خانواده در حوزه های فرهنگی گوناگون. ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: نشر ماهی.
- رشیدیان، ع. ا. (۱۳۸۴). هوسرل در متن آثارش. تهران: نشر نی.
- ریتزر، ج. (۱۳۸۵). نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر علمی.
- شارون، ج. (۱۳۸۵). ده پرسش از دیدگاه جامعه شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- کرایب، ی. (۱۳۸۵). نظریه های اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس. ترجمه عباس مخبر. تهران: آگه.
- مشیرزاده، ح. (۱۳۸۳). مقدمه ای بر مطالعات زنان. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
- ملکیان، م. (۱۳۸۵). گفت و گوهای در باب فرهنگ و سیاست. تهران: نگاه معاصر.
- مگی، ب. (۱۳۷۲). فلاسفه بزرگ: آشنایی با فلسفه غرب. ترجمه عزت الله فولادوند. تهران: خوارزمی.
- میشل، آ. (۱۳۸۱). پیکار با تبعیض جنسیتی. ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: نشر چشمه.